

علامهٔ عسکری و تحول در نظام آموزشی حوزه

سید رضا موسوی
عضو حلقهٔ علمی تاریخ اسلام

چکیده: حوزه‌های علمیه در جهان تشیع منشاء آثار و خدمات ارزنده‌ای بوده‌اند، به همین دلیل چگونگی پیش‌برد اهداف حوزه و توجه به راه‌کارهای موفقیت و حرکت هم‌گام با نیازهای روز جامعه همواره به دغدغهٔ اصلی مدیران و برنامه‌ریزان تبدیل شده است. موضوع نظام آموزشی حوزه نیز از جمله مسائلی است که در هر دوره، مورد توجه بزرگان حوزه قرار داشته است.

علامه سید مرتضی عسکری به عنوان یکی از علمای برجسته حوزه علمیه، از اهمیت این مسأله غافل نبوده است. محور دیدگاه‌های انتقادی علامه در بحث نظام آموزشی حوزه، نظام تک‌بعدی یا تک‌علمی حوزه است. وی با اشاره به مسأله عدم تربیت متخصص در رشته‌های دیگر علوم اسلامی و عدم تناسب علوم حوزوی با مقتضای زمان، تأکید دارد که خلل در تبلیغ دین و کمی محصولات حوزه در سایر علوم اسلامی از پیامدهای کم‌توجهی به دیگر علوم اسلامی در حوزه‌های علمیه است. در میان گذاشتن این مسأله با مقام معظم رهبری، تدوین طرح آموزشی و تشکیل جلسات درس تفسیر در حوزه از جمله فعالیت‌های راهبردی علامه در تصحیح این روند است.

کلیدواژه: آسیب‌شناسی نظام آموزشی، حوزه علمیه، دیدگاه‌های علامه عسکری، پیامدها و فعالیت‌ها.

مقدمه

حوزه‌های علمیه در جهان تشیع منشأ آثار و خدمات ارزنده‌ای بوده‌اند. مروری بر آثار حوزه‌ها در اعصار مختلف و در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، حقیقت این امر را نمایان خواهد ساخت. در حقیقت حوزویان و فارغ‌التحصیلان علوم دینی مرزبانان مکتب اسلام و هدایت‌گران جامعه شیعی در مسیر صحیح حقایق اسلامی هستند. وجود علمای بزرگی که نامشان در طول تاریخ بر تارک زمان درخشیده و در راه پویایی و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و اسلام ناب محمدی منشأ خدمات متعددی گردیده‌اند اهمیت و جایگاه ویژه حوزه‌های علمیه را بیشتر می‌نماید. با وجود این مسأله، بحث چگونگی پیش‌برد اهداف حوزه و توجه به راه‌کارهای موفقیت و نیز حرکت هم‌گام با نیازهای روز جامعه همواره از مسایل و دغدغه‌های مهم حوزه‌های علمیه بوده است.

یکی از این موضوعات که امروزه با گسترش دامنه علوم اسلامی و با شدت گرفتن شبهات دینی در عرصه‌های مختلف بیش از پیش مورد توجه حوزویان - و به ویژه نخبگان حوزه - قرار گرفته، بحث نظام آموزشی حوزه است. علامه سید مرتضی عسکری نیز به عنوان یکی از علمای بزرگ و تأثیرگذار حوزه از توجه به این مسأله مهم و اساسی غافل نبوده است. وی با درک عمیق خویش، علی‌رغم توجه به خدمات ارزنده حوزه، مسأله کمبودها و کاستی‌های نظام آموزشی حوزه را مورد توجه قرار داده و آسیب‌های پیش‌روی حوزه‌های علمیه را گوش‌زد کرده است.

محور انتقادات و پیشنهادات علامه را می‌توان در عدم توجه حوزه‌ها به تربیت متخصص در سایر علوم اسلامی و به تعبیر ایشان نظام تک‌علمی یا تک‌بعدی حوزه‌های علمیه دانست. در واقع علامه با توجه به جایگاه والای مباحث فقهی، به‌خوبی دریافته بود که نه تنها پاسخ به شبهات و اتهامات موجود، بلکه آموزش و فهم درست معارف دینی هم تنها با فراگیری علم فقه میسر نیست. همین امر باعث شد تا ایشان در برابر نظام تک‌بعدی حوزه موضع‌گیری کند و بر لزوم تحول در نظام آموزشی حوزه و توجه علما و دست‌اندرکاران، به سایر علوم اسلامی تأکید ورزد. اینک با توجه به اهمیت این موضوع برآنیم تا اندیشه‌های علامه را در این زمینه بازگو نماییم.

گذری کوتاه به زندگانی علامه سید مرتضی عسکری

سید مرتضی عسکری در هشتم جمادی الثانی سال ۱۳۳۲ هـ.ق در

سامرا متولد شد و در حوزه علمیه همان شهر به تحصیل پرداخت. در محرم سال ۱۳۵۰ هـ.ق به شهر مقدس قم هجرت کرد. در این شهر دروس سطح را نزد آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین شریعتمداری ساوجی تلمذ کرد. دیگر اساتیدی که ایشان در آن حوزه به استفاده از محضرشان توفیق یافت عبارت‌اند از امام خمینی علیه السلام در کلام و عقاید، حاج میرزا خلیل کمره‌ای در تفسیر، آیت‌الله شیخ مهدی شهید (پایین شهری) در اخلاق و تهذیب نفس.^۱

بی‌تردید این محقق بزرگ از مروجان پر تلاش و خستگی‌ناپذیر مکتب اهل بیت علیهم السلام در قرون اخیر به شمار می‌رود. به همین دلیل ضرورت دارد ابعاد مختلف اخلاقی، علمی، سیاسی و اجتماعی زندگانی ایشان برای فهم روحیه والای این بزرگ مرد الهی مورد بررسی قرار گیرد. در حقیقت علامه سید مرتضی عسگری به آن دسته از عالمان دینی تعلق دارد که با درک عمیق از مسائل جامعه و شرایط عصر خویش تأثیر به‌سزایی در محیط و هم‌عصران خود می‌نهند. در این میان حیات علمی علامه عسگری از برجستگی‌های خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که به تعبیر خود علامه آثار ایشان در فقه، حدیث، تاریخ و... بر جریان تفکر اسلامی تأثیرگذار بوده‌اند.^۲

آثار علامه آن‌چنان عمیق، استوار و روش‌مند نگارش یافته است که تحسین مخالفان را نیز برانگیخته است. این آثار نه تنها در بین شیعیان بلکه در میان اهل سنت نیز بازتاب گسترده‌ای داشته است. حتی برخی به خاطر شیوایی و اتقان کتب علامه به مکتب شیعه گراییده‌اند.^۳ تأسیس مدارس با نظام نوین آموزشی و تأسیس دانشکده اصول دین از جمله دیگر فعالیت‌های علمی علامه می‌باشد. در واقع ایشان تمام عمر پر برکت خویش را در راه زدودن شبهات و تبیین و ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام صرف نمودند.

نظام تک‌بعدی حوزه علمیه در کلام علامه عسگری

رشد علمی و گسترش دامنه علوم، سؤالات و شبهات جدیدی را درباره آموزه‌های اسلامی به‌وجود آورده است. همین امر سبب شده است تا علمای بزرگ برای پاسخ

۱. مهدی دشتی، «علامه سید مرتضی عسگری»، کتاب ماه دین، شماره ششم و هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. مصاحبه با سید مرتضی عسگری، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۰۰.

۳. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به فصل نامه علمی و فرهنگی جهتار شماره ۱۶ مقاله‌ای از نویسنده با عنوان «عسگری و تأثیرات فرا مذهبی».

به این شبهات، اقداماتی را انجام دهند. از جمله این اقدامات تاکید بر تخصص یافتن حوزویان در سایر علوم اسلامی است. تاکیدات بسیار مقام معظم رهبری درباره تحول در حوزه‌های علمیه از مواردی است که اهمیت این امر را به خوبی نمایان می‌سازد. این واقعیت دلیلی است که علامه را نیز به موضع‌گیری در مقابل نظام آموزشی حوزه سوق می‌داد.

علامه با درک شرایط حساس اسلام و مسلمانان به ویژه شیعیان که سیل اتهامات متوجه آنان شده بود به پاخواست و کوشید تا به اصالت و حقیقت اسلام و ژرفای ناب و خالص آن دست یابد و اسلام را آن‌گون که هست معرفی کند.

یکی از ویژگی‌های مرحوم علامه عسکری؛ برگزیدن شیوه‌های مختلف برای مبارزه با انحرافات بود. او به خوبی دریافته بود که در راستای تبیین دین و مبارزه با انحرافات و اتهامات دروغین تنها نمی‌توان به مباحث فقهی اکتفا نمود و سایر علوم - از جمله کلام، حدیث، تاریخ و... که متأسفانه در حوزه کمتر به آن توجه می‌شود - را از علمی می‌دانست که می‌بایست با مسلح شدن به آن‌ها به جنگ با دشمنان اسلام رفت و به وسیله آن‌ها شبهات موجود را بر طرف نمود.

ایشان با اشاره به وضعیت رقت‌بار مسلمانان در جهان آن روز، مشکل نظام تک علمی - تک‌بعدی - حوزه را یادآور شده و می‌گوید: «گفتم که مطالعات من در حوزه محدود به فقه و اصول نبود. من پر مطالعه بودم و می‌دیدم که پهلوی سعی دارد فرهنگ غرب را در ایران ترجمه بکند. در عراق هم غرب‌زدگی به صورت جدی شروع شده بود هر کس آن روز اهل مطالعه بود می‌فهمید که وضع مسلمانان در دنیا بسیار رقت‌بار است در چنین شرایطی حوزه‌های علمیه شیعه به تعبیر امروز من، تک‌بعدی یا تک‌علمی شده بودند. وقتی حوزه را با حوزه‌های عصر صدوق و مفید و طوسی و علامه حلی مقایسه می‌کردم به خاطر آن همه غفلتی که از اوضاع علمی و اجتماعی روزگارمان داشتیم احساس وظیفه می‌کردم که یک کاری و یک حرکتی بکنم تصورم این بود که اگر علمای گذشته شیعه که نام بردیم بودند تفسیر و عقاید، تاریخ و حدیث غیر فقهی و علوم عقلی و استدلالی و زبان خارجی و این‌طور چیزها را قطعاً درس می‌گفتند.

شیخ صدوق قریب دو‌یست تألیف در علوم مختلف اسلامی دارد. علامه حلی ۲۱ کتاب در امامت دارد. کتاب‌های امالی را نگاه کنید و ببینید که چقدر احادیث‌شان این بزرگواران فقه هم تدریس می‌کردند. تا

عصر مجلسی علمای شیعه این طور بوده‌اند. نمونه‌هایی از این بررسی تاریخی را در آخر جلد سوم معالم المدرستین آورده‌ام که مثلاً چگونه اصول کافی را درس می‌گفته‌اند و به شاگردها اجازه روایت و تدریس می‌دادند»^۱.

علامه، عرصه مبارزه با شبهات و انحرافات موجود در سایر علوم اسلامی را با کمبودهای بسیاری مواجه می‌دید و لذا سعی می‌نمود تا علاوه بر پرداختن به مسایل فقهی به بررسی و مطالعه سایر علوم همت گمارد. در واقع علامه از وضعیت نظام آموزشی حوزه بسیار نگران بود و مطالعه متون آموزشی حوزه را پاسخ‌گوی نیازهای جامعه آن روز نمی‌دانست. برای نمونه، اندوه علامه از بی‌توجهی حوزه‌های علمیه به مسایل اعتقادی را می‌توان در مقایسه ایشان از سیره امام صادق علیه السلام و وضعیت حوزه‌های علمیه به‌خوبی دریافت، آنجا که می‌گوید: «امام صادق علیه السلام یک دسته شاگرد فقیه داشت مانند زراره و ابوبصیر و یک عده هم شاگرد عقایدی داشت. حوزه‌های علمیه ما امروز (به دلیل کمی توجه به مباحث کلامی) از امام جعفر صادق علیه السلام پیروی نمی‌کنند، فقط به رساله‌های عملیه توجه دارند. سه نفر در این امر - عقاید - تخصص دارند آقای مکارم، آقای سبحانی و بنده، ولی کسی به ما مراجعه نمی‌کند باید به خدمات مرحوم علامه امینی، آقای سبحانی و عسکری هم توجه شود برای نمونه من می‌خواهم کتابی چاپ کنم معطل هستم، اما باید در تمام حوزه‌های علمیه ما مدرسان عقاید هم باشند همان‌گونه که مدرسان فقه هم داریم اگر یک مجتهد داشته باشیم پس است یک رساله می‌نویسد و اگر سؤالی داشته باشیم از او می‌پرسیم ولی اگر صد تا متخصص در عقاید و کلام داشته باشیم باز هم کم است... ما به نشر عقاید شیعه توجه نمی‌کنیم در صورتی که امام جعفر صادق علیه السلام برای کسانی که در عقاید تخصص داشتند احترام خاصی قائل بودند در این زمینه داستان‌های مفصلی وجود دارد»^۲.

بی‌تردید علامه جامعیت حوزه‌ها در علوم اسلامی را با کمبودهای بسیاری مواجه می‌دید و دریافته بود که تبیین حقایق دین در تمام ابعاد آن وظیفه خطیری است که بر دوش حوزه‌های علمیه نهاده شده و بی‌توجهی به سایر علوم اسلامی و ابعاد مختلف آن‌ها حوزه را در انجام این مسئولیت مهم و اساسی ناکام خواهد گذاشت. علامه جای شاگردان غیر فقهی اهل بیت علیهم السلام را خالی می‌دید و حوزه را نسبت به این مسأله مسئول می‌دانست. وی از این‌که علمای ما قرن‌ها به همه علوم اسلامی می‌پرداخته‌اند

۱. «مصاحبه با سید مرتضی عسکری»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۸۲ و ۸۳.
 ۲. «مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری»، نشریه اخبار شیعیان، شماره دهم، ص ۴.

ولی متأسفانه امروزه و در سده‌های اخیر سایر علوم اسلامی در حاشیه قرار گرفته گله‌مند بود.

ایشان هم‌چنین با درک اهمیت والای مباحث حدیثی در فهم درست اسلام، علی‌رغم اشاره به خدمات ارزنده‌ای که حوزه در مباحث حدیثی داشته است کم‌توجهی حوزه به این مباحث را نیز تاب نیاورد و بارها بر اهمیت این مسأله تأکید ورزید. از جمله می‌گویند: «حوزه‌های ما باید به این علم توجه بکنند، یک فرد و یا یک مؤسسه هم می‌تواند این کار را بکنند هر چند بازدهی هر کدام فرق می‌کند. همان‌طور که علم فقه مطرح است باید علوم حدیث هم بدانیم و به این علم اهمیت بدهیم زیرا اساس کار ما است. هم فرد باید به علم حدیث توجه بکند هم حوزه و هم مؤسسه‌ها، اینها مکمل همدیگر هستند نه مقابل هم، این نظر من است»^۱.

ایشان با مقدم داشتن پژوهش‌های حدیثی بر درس‌های فقهی، توصیه می‌نماید که مباحث حدیثی می‌بایست جزء کارهای حوزه علمیه شود: «پژوهش‌های حدیثی بر درس‌های فقهی امتیاز دارد البته آنها را هم لازم داریم و درس فقهی باید داشته باشیم اما این کار هم باید جز کارهای حوزه بشود و علم حدیث باید در ردیف علوم دیگر مطرح باشد زیرا یکی از اصول کار ماست من حرفم این است»^۲.

جالب این‌جاست که علامه از مراجع قم درخواست می‌کند تا علاوه بر درس خارج فقه و اصول برای حدیث هم درس خارج برگزار کنند: «حوزه باید به این کار توجه بکند یعنی همان‌گونه که مراجع ما در قم درس خارج فقه و اصول دارند برای حدیث هم درس خارج برگزار کنند چون توانایی علمی آن مراجع بیش از افراد دیگر است افراد هم باید چنین بکنند و هیچ مانعی ندارد»^۳.

در حقیقت علامه بحث‌های حدیثی را از علوم زیربنایی حوزه علمیه می‌داند که بی‌توجهی به آن صدمات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت «همین‌قدر بدانیم که بحث‌های حدیثی از علم‌های زیربنایی حوزه‌های علمیه است و باید ادامه یابد»^۴. آری علامه بارها تحول در نظام آموزشی حوزه را مطرح ساخته و بر ضرورت آن تأکید ورزیده است. او معتقد بود که باید متناسب با نیازهای جامعه، نظام آموزشی حوزه را

۱. «مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری»، مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۱، ص ۷۵ و ۷۶.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. همان، ص ۷۵ و ۷۶.

۴. همان، ص ۷۸.

طراحی کنیم و الا با پیشرفت علوم، سوالات بسیاری در برابر حوزه علمیه قرار می‌گیرد که عدم توان پاسخ‌گویی به این سوالات و شبهات به انزوای حوزه خواهد انجامید. او به خوبی دریافته بود که گستره اهداف نظام آموزشی حوزه علمیه به همان گستردگی اهداف نظام تربیتی دین است و این مسأله جامعیت در پرداختن به سایر علوم اسلامی را می‌طلبد.

البته لازم به ذکر است که سخنان علامه در این زمینه به هیچ وجه به معنای کم‌توجهی ایشان به مباحث فقهی نیست. از این رو بارها بر اهمیت مباحث فقهی تاکید ورزیده‌اند؛ برای مثال ایشان درباره اهمیت علم اصول فقه در احیای احادیث احکام و تأثیرات آن بر فهم سایر احادیث می‌گوید: «اخباری‌ها می‌گفتند آنچه در کتب اربعه آمده، صحیح است. اگر این روش جا می‌افتاد، کار شیعه به جایی می‌رسید که ما نمی‌توانستیم آن‌طور که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نماز می‌خواندند امروز به‌جا بیاوریم. علم اصول بود که احادیث احکام را احیاء کرد و البته این علم برای سایر احادیث هم مهم است و کارایی دارد. من معتقدم که احادیث نباید کتاب حدیث و یا حتی شرح دعا هم بنویسد الا اینکه اصول بداند و بعد از بررسی اسناد، متن و دلالت را هم بررسی کند. همان‌طور که در احادیث فقهی و احکام عمل می‌شود، در عقاید تفسیر و اخلاق و آداب هم باید همین مسیر طی شود. هر مؤلفی در علوم اسلامی باید کتاب خدا و سنت صحیح و سند درست و قواعد درایه و علم اصول را به خوبی بداند و به کار ببندد.»^۱

علامه، بحث‌های فقهی را نیز علی‌رغم پرداختن بسیار حوزها به آن، دچار نقایصی می‌دانست از جمله این که می‌گفت: «استناد فقهای ما فقط به احادیث قولی است و به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام یا سنت عملی و گزارش افعال و تقریرها و امضاهای ایشان توجه نمی‌شود»^۲.

به هر ترتیب علامه با تمام تلاش در راه روشن‌گری در زمینه کمبودها و کاستی‌های نظام آموزشی حوزه قدم برداشت و همگان را نسبت به این امر مهم توجه داد. به همین دلیل می‌توان ایشان را از بنیان‌گذاران نهضت بازگشت به قرآن و حدیث در حوزه‌های شیعه برشمرد.

۱. «مصاحبه با سید مرتضی عسکری»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۴ و ۹۵.

۲. همان، ص ۸۳.

پیامدهای نظام تک‌علمی حوزه از منظر علامه

فهم انگیزه‌های علامه در مطرح ساختن مبحث آسیب‌شناسی نظام آموزشی حوزه، از هوشیاری و درک عمیق این عالم بزرگوار حکایت می‌نماید. در حقیقت علامه بر این حقیقت واقف گشت که دروس موجود حوزه برای پاسخ‌گویی کامل به مشکلات و سؤالات و خواسته‌های روز افزون جامعه، نیاز به تحولات جدی داشته و کم‌توجهی به این مسأله پیامدهای ناگواری را در پی خواهد داشت. اینک به بررسی برخی از این پیامدها در دیدگاه علامه می‌پردازیم.

۱- عدم تناسب علوم حوزوی با مقتضیات زمان؛

بررسی شبهات وارده در علوم و معارف اسلامی نمایانگر این حقیقت است که حجم انبوهی از شبهات موجود مربوط به مباحث اعتقادی، تاریخی، حدیثی و ... می‌باشد. آیا به‌راستی اگر حوزه‌های علمیه ما تا به امروز علاوه بر مباحث فقهی که از نیازهای مبرهن در حوزه علوم اسلامی است، به تربیت متخصصانی در سایر عرصه‌های علوم دینی همّت می‌گماشتند، آیا گرایش جهانیان به سوی آیین والا و نجات بخش اسلام و تشیع گسترش و سرعتی بیشتری نمی‌یافت؟ آری علامه کاستی‌های نظام آموزشی حوزه را در مطابقت با نیازهای روز جامعه دریافت.

ایشان دربارهٔ عدم تناسب دروس حوزه با مقتضای زمان می‌گوید: «گفتم که مطالعات من در حوزه محدود به فقه و اصول نبود. من پر مطالعه بودم و می‌دیدم که پهلوی سعی دارد فرهنگ غرب را در ایران ترجمه بکند، در عراق هم غرب‌زدگی به صورت جدی شروع شده بود. هر کس آن روز اهل مطالعه بود می‌فهمید که وضع مسلمانان در دنیا بسیار رقت‌بار است. در چنین شرایطی حوزه‌های علمیه شیعه به تعبیر امروز من تک‌بعدی یا تک‌علمی شده بودند».

۲- خلل در تبلیغ دین

علامه در راستای تربیت نیروی متخصص اقدام به تشکیل جلسات درسی، علاوه بر دروس رایج حوزه نمود. وی انگیزه خود و هم‌فکرانش از تشکیل این جلسات را قدرت یغ دین بر می‌شمارد: «ما چند نفر، در کنار درس‌های حوزه درس‌هایی را برای

خودمان معین کرده بودیم تا بتوانیم مبلغ شویم»^۱. علامه اعتقاد داشت که پرداختن بیش از حد به مسایل فقهی، ما را از نشر عقاید شیعه غافل کرده است. وی در سخنانی پس از اشاره به بی‌توجهی حوزه به مباحث اعتقادی می‌گوید: «ما مسلمانانی در آفریقا داریم که اصلاً از اولاد ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند اما اسم شیعه را هم نمی‌دانند. یکی از آنها یک وقت با من برخورد کرد و شیعه شد و رفت آنجا تشیع را منتشر کرد. ما به نشر عقاید شیعه توجه نمی‌کنیم، در صورتی که امام جعفر صادق علیه‌السلام برای کسانی که در عقاید تخصص داشتند احترام خاصی قائل بودند. در این زمینه داستان‌های مفصلی وجود دارد»^۲.

در کلامی دیگر می‌گوید: «ما باید از همه امکانات، از روشنایی خورشید گرفته تا نور ماه استفاده کنیم تا اعتقادات شیعه را تبلیغ نماییم. اما در این زمینه، کوتاه آمده‌ایم. مردم ما فقط یاد گرفته‌اند به علمای فقه احترام بگذارند. الان در بین مردم علامه امینی و عسکری محترم‌ترند یا علمای فقه، حقوق مالی‌شان را به کدام‌ها می‌دهند». آری امروزه دامنه شبهات وارده بر دین تا آنجا پیش رفته که تنها کسانی توان پاسخ‌گویی به شبهات را دارند که سالیان متمادی، عمر خویش را در فراگیری سایر علوم اسلامی سپری کرده و در آن رشته به تخصص دست یافته باشند.

۳- کاستی‌های خدمات حوزه در سایر علوم اسلامی

علامه درباره کاستی‌های موجود در تبیین و تبلیغ سایر علوم اسلامی به ویژه علم حدیث، چنین اظهار نظر می‌کند: «در زمینه احادیث سیره، احادیث تفسیر قرآن، احادیث عقاید و احادیث اخلاق و آداب و... محتاجیم به همان کارهایی که فقهای ما در سایر احادیث کرده‌اند»^۳. در مورد بی‌توجهی به احادیث غیر فقهی نیز می‌گوید: «چیزی که هست این است که حوزه‌های ما احادیث فقهی را، صحیح و سقیم‌اش را بررسی کرده‌اند. اما احادیث غیر فقهی را مرحوم شرف‌الدین بررسی کرده، ابوهریره را علامه تستری نوشته است و اینجانب نیز که خمسون و مائة صحابی مخلوق و عبدالله سبا و احادیث عایشه را نوشته‌ام. ما سه نفر احادیث غیر فقهی را بررسی کرده‌ایم لذا

۱. «مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری»، مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۱، ص ۵۶.

۲. همان، ص ۷۸.

۳. «مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، ص ۲۲.

حوزه‌های علمیه ما آن خدماتی که در فقه کرده‌اند در اینجا نداشته‌اند»^۱. در حقیقت علامه جایگاه سایر علوم اسلامی در تبیین و ترویج اسلام را شناخته بود. و شاهد بود که روز به روز کاستی‌های حوزه‌های علمیه در بیان معارف شیعه نمایان می‌شود و این مسأله برای حوزه‌ها که داعیه‌دار تبیین و تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند امر خوشایندی نیست.

۴- ورود احادیث غیر صحیح در معارف شیعه

یکی دیگر از دغدغه‌های علامه کم‌توجهی حوزویان و به ویژه علما نسبت به احادیث غیر فقهی است. علامه در این زمینه می‌گوید: «گذشتگان ما در احادیث غیر فقهی تسامح کرده‌اند و بسیاری از احادیث مکتب خلفا و زنادقه از این راه وارد معارف شیعه شده است که باید آنها را شناخت و خارج کرد و گرنه بیشتر کسانی که کتاب‌های ما را می‌خوانند منحرف می‌شوند»^۲. و یا در جای دیگر می‌گوید: «بزرگان محدث ما در رفتار با احادیث غیر فقهی آسان‌گیر بودند و آن‌طور که باید و شاید سند و متن را بررسی نمی‌کردند و لذا بخشی از این احادیث وارد مجامع حدیث و تفاسیر و مصنفات شیعه شد».

علامه با اشاره به ورود احادیث غیر صحیح به معارف شیعه می‌گوید: «به نظر می‌رسد که امروز کاری که شاید از کار مرحوم وحید بهبهانی هم مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد این است که بیابیم و قیام کنیم به پاک‌سازی مجموعه‌های حدیثی مان. حوزه علمیه ما امروز باید گروه‌هایی را در رشته‌های مختلف موظف کند که هر کدام احادیث یک موضوع را بررسی کنند و هر حدیثی که از غیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است را شناسایی و معرفی کنند، چه در عقاید چه در اخلاق و آداب، چه در تفسیر و...»^۳.

فعالیت‌های علامه عسکری در راستای مقابله با نظام تک‌علمی حوزه

پیامدهای زیان بار ناشی از کاستی‌های نظام آموزشی حوزه، علامه را بر آن داشت تا از راه‌های مختلف به جبران این مسأله بپردازد. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های علامه، در این زمینه طرح آن در مجامع مختلف حوزوی بود. ایشان حتی این مسأله را با مقام

۱. سایت تبیان، www.tebyan.net، مورخه ۱۳۸۶/۶/۲۸.

۲. «مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۱، ص ۹۵.

۳. همان، شماره ۲۰، ص ۹۷.

معظم رهبری نیز در میان گذاشت. علامه می‌گوید: «روزی خدمت مقام معظم رهبری مهمان بودم، عرض کردم حوزه علمیه ما تک علمی شده معلوم شد که ایشان هم خیلی از این وضعیت ناراحت هستند فرمودند: آقا بروید به آقایان بگویید آقایان از شما گوش می‌کنند عرض کردم نه گوش نمی‌کنند»^۱. علامه به خوبی دریافته بود که حوزه باید در مقیاس رهبری جهان به سمت تحول گام بردارد، لذا همواره همگان را به این مسأله مهم و حیاتی توجه می‌داد.

ایشان به همراه تنی چند از طلاب و هم‌فکران خویش از جمله مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی به بررسی و تجدید نظر در برنامه‌های درسی حوزه پرداخت و کوشید با دوستان خود در کنار درس‌های رسمی حوزه به تحصیل علمی بپردازد که با اتکا به آن‌ها مسئولیت‌های خطیرتری را در آینده بر عهده گیرند. از جمله عنوان‌های پیش‌نهادی در برنامه جدید، درس تفسیر، حدیث شناسی و کلام تطبیقی بود که در کنار دروس معمول فقه و اصول برای تدریس آن‌ها از اساتید ذی صلاح بهره گرفته می‌شد. علاوه بر این در برنامه مذکور تمرین خطابه و سخنرانی، نویسندگی و تألیف و حضور در فعالیت‌های اجتماعی نیز گنجانده شده بود.

علامه همچنین در تهران با همکاری جمعی از دوستان متخصص در زمینه مسایل آموزشی و تربیتی، اقدام به پالایش و بازنویسی دروس حوزه نمود. این سلسله کتاب‌های درسی از سوی مجمع علمی اسلامی چاپ شد.^۲

علامه با اشاره به نبود درس تفسیر در حوزه می‌گوید: «من می‌دیدم که در حوزه آن روز قم، تفسیر خواندن اصلاً تکلیف درسی نبود و یک کار ذوقی محسوب می‌شد. این بود که با یکی دو نفر هم‌فکر، جمعی نه نفره درست کردیم و تصمیم گرفتیم در حوزه قم و در معرض دید طلبه‌ها درس تفسیر بگذاریم و تفسیر بخوانیم. آن روزها حوزه اصلاً تنوع درسی امروز را نداشت طلبه‌ها درس تفسیر را که برای حاج میرزا خلیل کمره‌ای در مسجد نو (پشت شیخان) گذاشته بودیم یا مباحثه تفسیری را که در ایوان مسجد امام حسن عسکری علیه السلام داشتیم، می‌دیدند و می‌خندیدند و رد می‌شدند و می‌گفتند اینها در این شب‌های درس و تحصیل، تفسیر می‌خوانند! خوب ما می‌خواستیم درس تفسیر و عقاید و درس حدیث در حوزه رواج پیدا کند و خودمان

۱. مصاحبه با علامه سید مرتضی عسکری، مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره نهم، بهار، ۱۳۸۱، ص ۷۵ و ۷۶.

۲. محمود جهانی، حیات علمی علامه عسکری، فصلنامه علمی فرهنگی جستار، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۶.

هشت، نه نفری همین درس‌ها را در جنب درس‌های فقه و اصولمان می‌خواندیم.^۱

نتیجه

لزوم تحول‌گرایی و آرمان‌خواهی، از مسایلی است که هیچ نهاد و یا شخصیتی منکر آن نیست. حوزه نیز به عنوان نهادی مدنی و سازمانی اجتماعی که داعیه‌دار تبیین و ترویج اسلام حقیقی است، نمی‌تواند از این امر مستثنی باشد. علما و اندیشمندان دینی در هر عصر و دوره‌ای به نوعی به بحث تحول توجه داشته‌اند و امروز به دلایل مختلف، لزوم توجه به این مسئله بیش از پیش احساس می‌شود. در واقع اثبات و تبیین جامعیت دین مهم‌ترین مسئولیت علما و حوزه‌ها است که کم‌توجهی به برخی علوم اسلامی، انجام این مسئولیت خطیر را با مشکلات بسیاری مواجه خواهد ساخت. سخنان علامه و به عبارتی درد دل‌های ایشان در این زمینه به خوبی از درک عمیق وی نسبت به لزوم تحول در نظام آموزشی حوزه پرده بر می‌دارد. اینک بر ماست تا با جدّی گرفتن سخنان علما و بزرگان حوزه و توجه به سایر علوم اسلامی، راه‌کارهای جدید و نو را برای ترویج و تبیین مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به کار بندیم.

منابع

- ۱- جهانی، محمود، «حیات علمی علامه عسکری»، فصلنامه علمی فرهنگی جستار، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۶.
- ۲- دشتی مهدی، «علامه سید مرتضی عسکری»، کتاب ماه دین، شماره ششم و هفتم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.
- ۳- دکتر احمدی، «بدون تخصص معارف به جهان عرضه نمی‌شود»، خشت اول، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۵.
- ۴- «عسکری علامه سید مرتضی»، (مصاحبه) مجله پژوهش و حوزه، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۸۱.
- ۵- «عسکری سید مرتضی»، (مصاحبه) مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.
- ۶- «عسکری سید مرتضی»، (مصاحبه)، نشریه اخبار شیعان، شماره دهم.
- ۷- سایت تبیان، www.tebyan.net، مورخه ۱۳۸۶/۶/۲۸.

۱. مصاحبه با سید مرتضی عسکری، مجله علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰، ص ۸۳.